

مذاکرات و مباحثات فیما بین به طول انجامید^۱. چون می دانستم که اختلاف و ضدیت حاج شیخ فضل الله با آقا سید عبدالله مجتهد^۲ و غیره فقط بر سر مسند ریاست و انتفاع شخصی است و این مسئله لااقل در نزد من مجهول نبود، و وقتی به مشروطه طلبی آقا سید عبدالله و مخالفت آقا شیخ فضل الله نمینهادم، به آقای آخوند ملامحمد کاظم عرض کردم: « موافقت و مخالفت این هر دو مجتهد، مربوط به مسند ریاست روحانیت است نه رژیم مشروطه، اگر آقا شیخ فضل الله نوری مشروطه خواه می بود و علم مشروطه طلبی را بدوش گرفته بود آقا سید عبدالله، با وجودی که باطناً به آزادی دلبسته است، از سر رقابت با شیخ، علم مخالفت با مشروطیت برمیافراشت.

به عنوان یادآوری حضورتان عرض می کنم. در سال ۱۳۰۸ (ق) وقتی تمام مردم ایران حتی خدمه دربار و غلامان و کنیزگان اندرونی شاهی برضد امتیازنامه رژی قیام کرده بودند و مرجع بزرگ عالم تشیع، فرمان تحریم استعمال تنباکو صادر و استعمال آنرا در حکم محاربه با ولی عصر عجل الله تعالی اعلام کرده بود..... و در آن وقایع شیخ فضل الله نوری در طهران کباده ریاست می کشید و در صف پیشوایان روحانی مشوق و محرک مردم مخالف با امتیازنامه رژی بود، آقا سید عبدالله مجتهد از جمع روحانیون سرشناس و معروف تهران یک تنه به حمایت از رژی پرداخت و در اینکار با جرات و شهامتی اقدام کرد که دور از عقل و منطق و تدبیر و سیاست بود و جز حب جاه و ریاست نمی توانست انگیزه و عامل چنان دلیری و شهامت که وجهه ظاهری آن هم مخالفت با شرع انور و فتوای مرجع تقلید شیعیان بود، باشد.

^۱ منظور مذاکره احتشام السلطنه با آیت الله ملامحمد کاظم خراسانی معروف به آخوند ملامحمد کاظم خراسانی از مراجع بزرگ ایرانی و شیعه در عراق است.

^۲ آیت الله سید عبدالله بهبهانی از روحانیون بزرگ عصر مشروطه

برگرفته از «خاطرات احتشام السلطنه»^۳
به کوشش محمد مهدی موسوی، انتشارات زوآر، ۱۳۹۲ .

^۳ از رجال دوران ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه